

آموزش و پرورش در عصر پهلوی

فلسفه و برنامه‌ریزی آموزشی در دوره پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷ش) در ادامه و امتداد برنامه‌های اصلاحی دوره پیشین - قاجاریه - قرار داشت و بسیاری از خواسته‌هایی که در آن دوره محقق نشده و معطل مانده بود، در دوره پهلوی اجرایی شد.

اندیشه‌گران متجدد ایرانی دوره قاجاریه که تحت تأثیر جریان اصلاحی قرن نوزدهم میلادی اروپا تحت عنوان «پداگوژی یا تعلیم و تربیت تجربی» قرار داشتند، اصلاحات آموزشی را اصل و اساس ترقی کشور قلمداد می‌کردند. میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله قانون چهل و یکم دفتر تنظیمات یا کتابچه غیبی را «بر وضع تعلم ملی» اختصاص داد و ضمن مسئول شناختن وزارت علوم برای اجرای قانون خود از مدارس فنی خاصی چون مدارس نظامی، معادن، نقاشی و صنایع سخن گفت و ترتیب دروس، بودجه و تعداد هریک از آنان در ایالات گوناگون را نیز معلوم ساخت. (۱۲۷۵-۱۲۷۷ق؛ اصل، ۱۳۸۸: ۵۵-۵۴) آخوندزاده برای نخستین بار پیشنهاد اجباری و عمومی شدن آموزش کودکان ۹-۱۵ ساله را مطرح کرد و درخواست کرد که همپای گسترش مکاتب و مدارس در شهرها، روستائیان نیز از این موهبت بهره‌مند شوند و هیئتی از دانشوران نظارت بر بازنویسی متون گرانهای ادبی ایران به خط جدید برای استفاده عموم دانش‌آموزان را برعهده گیرند. (آدمیت، ۱۳۴۹: ۸۲-۸۰) او نیز همپای میرزا ملکم‌خان که پیشرفت و ترقی اروپا را به کارخانه‌های انسانی غربی نسبت می‌دادند، (اصیل، ۱۳۸۸: ۲۹-۲۸) «سعادت کامله» ایران را نه در گرو گسترش راه‌آهن بلکه در «انتشار علوم» می‌دانست. (آخوندزاده، ۱۳۵۱: ۱۱۲) همچنان‌که طالبوف اصلاح «دستگاه تعلیم» را «مسئله مهمه» و «روح ترقی ملتی و حصن حفظ حوزه» نام‌گذاری کرد. (طالبوف تبریزی، ۱۳۳۶: ۱۱-۱۰) این رویکرد تا سال‌های مشروطه نیز در ایران ادامه یافت. خان‌خانان در رساله خود

با نام «رساله در اصلاح امور» که در ۱۵ صفر ۱۳۱۴ ق، نوشته شده است، تکلیف اصلی تربیت خلق را به‌عهده «اداره علوم و معارف» گذارده است و با دقتی کم‌نظیر درباره انواع مدارس، ساعات درس، سن آغاز و پایان تحصیلات، مواد درسی، کتاب‌های درسی و بودجه مدارس سخن گفت. (رسائل سیاسی عصر قاجار، ۱۳۸۰: ۵۷۰-۵۶۵) انتقادهای اندیشه‌گران متجدد درباره اوضاع آموزشی ایران در چند محور اصلی خلاصه می‌شد. میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی و میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله آغازگر جریانی در انتقاد از الفبا و خط فارسی بودند که پس از آنان افراد بسیاری چون حسین کاظم‌زاده ایرانشهر، احمد کسروی، ذبیح‌بهرروز و دیگران در دوره پهلوی این راه را ادامه دادند. (استادی مقدم، ۱۳۸۹، صفحات متعدد) عده‌ای دیگر به موجود نبودن برنامه‌ای مدون و یکپارچه برای مکتب‌های سراسر کشور ایراد می‌گرفتند (روزنامه الجمال، س ۱، ش ۱۶، ۲۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۵ ق: ۴؛ روزنامه کوکب درزی، س ۴، ش ۲، ۹ صفر ۱۳۲۶ ق: ۶-۵) همچنان‌که به باور دسته‌ای دیگر بی‌علمی و کم‌سوادی معلمان و ملایان مکتب‌دار (هدایت، ۱۳۸۵: ۴؛ اوشیدری، ۲۵۳۵: ۳۱؛ محمدی و قایینی، ۱۳۸۳: ۴۳؛ سیف‌پور فاطمی، ۱۳۷۸: ۲۵-۲۳) و شیوه غلط آموزشی موجود سبب شده است «استعداد فطری اطفال ما تاکنون مدفون خاک جهالت شده و بعد از این نیز خواهد شد» (طالبوف تبریزی، ۱۳۳۶: ۸۱). این دسته از منتقدان به «نقص اصول تعلیم و مربی راه آموزش» اشاره می‌کردند و نظام آموزشی را زیر سؤال می‌بردند که در آن کودکان پیش از یادگیری زبان مادری «به ضرب چوب و هیبت کتک و فلک و شناعت و فحش» وادار به خواندن قرآن و زبان عربی می‌گشتند (کرمانی، ۲۰۰۰: ۲۳۵-۲۳۴). از سوی دیگر تا گسترش مدارس جدید در ایران، کودکان ایرانی ادبیات و کتاب‌های درسی مختص به خود نداشتند و از کتاب‌های بزرگسالان استفاده می‌کردند. امیرارسلان، هزار و یکشب، بوستان و گلستان سعدی، موش و گربه و نصاب الصبیبان

از جمله کتاب‌هایی بود که به کودکان آموزش داده می‌شد. (محمدی و قائینی، ۱۳۸۳: ۵۲؛ ذوالفقاری و حیدری، ۱۳۹۱) اندیشه‌گران متجدد مطالعه این کتاب‌ها را برای کودکان نامناسب می‌دانستند و آن را «مخرب ارکان شرم طبیعی و آزم بشری» به‌شمار می‌آوردند. علاوه‌براین، روشنفکران قاجاری انتظار داشتند که آموزش مدرسه‌ای، کودکان را مسلمان، ایران‌دوست، بی‌ترس و تندرست بار بیاورد (طالبوف تبریزی، ۱۳۵۷: ۱۲۹-۱۲۸) و حس وطن‌پرستی، ملت‌دوستی و دولت‌خواهی را «رگ و ریشه جوانان نورس» حتی «اطفال ممیز» بدواند. (طالبوف تبریزی، ۱۳۳۶: ۱۴۳-۱۴۲) روزنامه کوکب درّی، س ۳، ش ۲، ۲ صفر ۱۳۲۵ ق: ۳-۴؛ روزنامه تربیت، شماره ۲۳۹، ۲۴۰، ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۳۱۹ ق. و ۲۶ جمادی‌الثانی ۱۳۱۹ ق: ۹۵۸ و ۹۶۴-۹۶۳؛ ممتحن الدوله، ۱۳۵۳، ج ۱: ۱۸۶). انتظاراتی که کتاب‌های موجود آنان را برآورده نمی‌کرد، اواخر دوره قاجاریه انتقادهای روشنفکران، پایه و اساس نهضت فراگیر مدرسه‌سازی را در ایران پدید آورد که آثار پایدار آن سیمای ساختارآموزشی ایران در دوره رضاشاه را رقم زد.

در این نهضت جدید و فراگیر، مدارس با ویژگی‌ها و شاخصه‌های جدید تأسیس شد که مؤسسان آن می‌کوشیدند تا حد ممکن مشکلات مکتب‌خانه‌های قدیمی را نداشته باشند. از جمله ویژگی‌های نظام آموزشی جدید، محوریت یافتن کودکان در امر آموزش، پرهیز از تنبیه جسمی آنها (صنعتی‌زاده کرمانی، ۱۳۴۶: ۶۹-۶۸) تغییر محیط آموزشی از خانه شخصی ملای مکتب‌دار یا دکانی در بازار به محیطی بزرگ‌تر به‌طور احتمالی با حیاطی وسیع همراه با میز و صندلی و وسایل کمک آموزشی مانند نقشه، کره جغرافیایی و ... ، (روزنامه تربیت، شماره ۱۰۱، ۱۹ ذی‌الحجه ۱۳۱۵ ق: ۴۰۳-۴۰۴؛ روزنامه تربیت، شماره ۳۹۲، غره ذی‌قعدة ۱۳۲۳ ق: ۲۰۵۲) تلاش برای قانونمند و یکسان کردن برنامه مدارس و پیوند میان دروس نظری و عملی (رشدیه، ۱۳۶۲:

۶۶؛ روزنامه تربیت، شماره ۱۰۷، ۲۶ ذی‌حجه ۱۳۱۵ ق: ۴۲۶-۴۲۵؛ همان، شماره ۲۲۵، ۲۸ ذی‌حجه ۱۳۱۸ ق: ۹۰۳؛ روزنامه تربیت، شماره ۳۱۳، ۴ صفر ۱۳۲۲ ق: ۳؛ همان، شماره ۳۵۶، ۷ صفر ۱۳۲۳ ق: ۱۷۶۱) آموزش معلمان در دارالمعلمین‌ها و دانش‌سراهای جدید، استفاده از کتاب‌های درسی یکسان از طرف وزارت معارف معرفی شد که به‌زعم نویسندگان آنها متناسب با سن کودکان نوشته شده بود و البته عمومی‌شدن امر تحصیل (آموزش کودکان طبقات مختلف کنار هم) و توجه ویژه به آموزش ایتام و کودکان خانواده‌های فقیر بود (سعدوندیان، ۱۳۸۰: ۳۴۱؛ روزنامه خورشید، س ۱، شماره ۱، ۲۱ محرم ۱۳۲۵ ق: ۴-۵؛ همان روزنامه، س ۱، ش ۱۴، ۳۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ ق: ۸؛ روزنامه تربیت، شماره ۲۷۴، ۳ محرم ۱۳۲۱ ق: ۱۱۰۴؛ همان، شماره ۲۷۵، ۱۷ محرم ۱۳۲۱ ق: ۱۱۱۲؛ همان، شماره ۲۷۷، ۲ صفر ۱۳۲۱ ق: ۱۱۲۷؛ همان، شماره ۴۸، ۱۵ جمادی‌الآخری ۱۳۱۵ ق: ۱۹۰؛ رشدیه، ۱۳۶۲، رشدیه: ۴۷ و ۳۹) براین‌اساس، نظام آموزشی دوره پهلوی ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی داشت که در ساختار آموزشی پیشین ایران بی‌سابقه بود.

نخستین ویژگی، قانونمند کردن امر آموزش در ایران بود که از سال‌های پایانی حکومت قاجاریه آغاز شده بود به‌سان میراثی به دوره پهلوی رسیده بود. تصویب قانون معارف (۱۳۲۹ق.) والدین را موظف به آموزش کودکان خود ساخت و کلیه دستگاه‌های تعلیم و تربیت ملی و دولتی را زیر نظر وزارت معارف در می‌آورد. نظام‌نامه مکاتب محلی (۱۳۰۳ش)، (مجله تعلیم و تربیت، ش ۲، س ۱، اردیبهشت ۱۳۰۴: ۳۷-۳۸) قانون‌نامه شرایط مدیران مدارس ابتدایی (۱۳۰۴ش)، (همان، ش ۱، س ۱، فروردین ۱۳۰۴: ۴۰) نظام‌نامه پرداخت کمک خرج به مدارس ملی (۱۳۰۷ش)، (روزنامه اطلاعات، ۲۴ دی ۱۳۰۷: ۲) نظام‌نامه مدارس مجانی بلدی (۱۳۱۰ش)، (روزنامه اطلاعات، ۱ تیر ۱۳۱۰:

تنوع شیوه‌های آموزش به مقتضای نیازهای کودکان می‌شد. در ۱۳۰۵ ش برای نخستین بار جبار باغچه‌بان آموزش کودکان کر و لال را آغاز کرد. کودکان او خود در تبریز به نام باغچه اطفال شهرت داشت، وی در دی ماه ۱۳۱۲ ش مؤسسه‌ای آموزشی با نام «دبستان کرولال‌ها» در تهران تأسیس کرد. باغچه‌بان و میربابایی، ۱۳۸۹: ۷۳-۷۰ و ۱۰۲-۹۷؛ *روزنامه اطلاعات*، ۱۷ خرداد ۱۳۱۳: ۳؛ همان روزنامه، ۲۰ فروردین ۱۳۱۴: ۷؛ *اطلاعات صبح*، ۹ آبان ۱۳۱۶: ۱ و *اطلاعات عصر*، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۱۷: ۱ و ۸) تأسیس این مؤسسات در کنار آگاهی بخشی به عموم مردم درباره کودکان ضعیف الفکر، (مجله *تعلیم و تربیت*، س ۴، ش ۹، آذر ۱۴۱۳: ۵۵۴) کند ذهن (*اطلاعات عصر*، ۷ بهمن ۱۳۱۶: ۲) کودکان تندخو و عصبی (*اطلاعات*، ۲ دی ۱۳۱۴: ۴) و کم‌هوش (*اطلاعات عصر*، ۵ اردیبهشت ۱۳۱۷: ۲) صورت می‌گرفت که بیشتر از طریق ترجمه مقاله و یادداشت‌های غیرفارسی و انتشار آن در نشریات سراسری امکان‌پذیر بود (*اطلاعات*، ۲۲ فروردین ۱۳۱۹: ۲؛ همان، اردیبهشت ۱۳۱۹: ۲؛ همان، ۶ شهریور ۱۳۱۹: ۲؛ همان، ۱۵ فروردین ۱۳۲۰: ۲؛ در *اطلاعات عصر*، ۱۳ مهر ۱۳۱۶: ۲) که خود به فرهنگ‌سازی و نگاه جدید، متفاوت و متناسب با کودکانی از این دست، یاری می‌رساند.

ویژگی چهارم که در راستای طرح ملت‌سازی، اهمیت آموزش عملی و گسترش آموزش عمومی برای همه ایرانیان قرار می‌گرفت، تأسیس مدارس فلاحتی، فنی، سیار یا شبانه‌روزی به ترتیب در مراکز روستایی، شهری و در میان ایلات و عشایر برای ترغیب آنها به تحصیل کودکانشان است. (مختاری، ۱۳۲۶: ۲۶۳؛ *روزنامه اطلاعات*، ۲۵ فروردین ۱۳۰۹: ۲؛ همان، ۹ فروردین ۱۳۱۳: ۳؛ *اطلاعات صبح*، ۱۰ فروردین ۱۳۱۷: ۱؛ همان، ۲۹ آذر ۱۳۰۷: ۲؛ همان، ۲۳ مرداد ۱۳۱۴: ۱؛ همان، ۱۶ شهریور ۱۳۰۵: ۱؛ حکمت، ۲۵۳۵: ۲۵۸؛ استارک، ۱۳۶۴: ۴۲؛ *مجله تعلیم و تربیت*، ش ۱،

۲) نظام‌نامه صحیح مدارس (۱۳۱۰ش)، (*روزنامه اطلاعات*، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۱۰: ۳) نظام‌نامه اختصاصی کارکنان مدارس ذکور و اناث ابتدایی (۱۳۱۲ش) (*روزنامه اطلاعات*، ۱۷ بهمن ۱۳۱۲: ۲) تنها پاره‌ای از قوانین مصوب این دوره است که به قانونمندشدن و یکسان‌سازی امر آموزش در ایران یاری رساند.

ویژگی دوم، توجه به آموزش کودکان خردسال در سنین پیش از دبستان است که از طریق مؤسساتی نوظهور تحت عنوان «باغچه اطفال» یا «کودکستان» صورت می‌پذیرفت. تا پایان دوره رضاشاه، ۳۴ کودکستان دولتی و خصوصی با ۱۸۶۴ شاگرد اعم از دختر و پسر در سراسر ایران تأسیس شده بود که به آموزش کودکان پیش‌دبستانی یاری می‌رساندند (فیروز، ۱۳۷۲: ۷۲). با این حال، این مؤسسات مخصوص کودکان همه طبقات اجتماعی نبودند و بیشتر خانواده‌های اعیانی یا برخی از شاهزادگان پهلوی به آنجا می‌رفتند (در جستجوی امر قدسی، ۱۳۸۵: ۳۳-۳۲).



(عکس شماره ۱، کودکستان بهلول تهران)

ویژگی سوم توجه ویژه به تفاوت‌های جسمی، روحی، فکری و خانوادگی کودکان در مدارس بود که سبب ساز

س ۱، فروردین ۱۳۰۴: ۲۴) دولت برای جلب توجه خانواده‌های روستایی و عشایری، سن مجاز تحصیل در مقطع ابتدایی را در این مناطق میان هفت تا هیجده سال قرار داد (روزنامه اطلاعات، ۱۲ آذر ۱۳۱۴: ۴؛ همان، ۲۵ آذر ۱۳۱۴: ۴)، و برنامه‌های درسی آن را مطابق با نیازهای بومی مردم طراحی و اجرا کرد. همچنین برای نخستین بار به‌لزام آموزش کودکان کارگر شاغل در کارخانجات و مؤسسات صنعتی توجه کرد. براساس فصل چهارم ماده ۳۴ نظام‌نامه کارخانجات و مؤسسات صنعتی مصوب ۱۵ مرداد ۱۳۱۵ ش صاحبان کار مکلف شدند که «به دستور وزارت معارف و به خرج آن وزارت‌خانه کلاس‌های مخصوص برای درس خواندن مزدورانی که از هیجده سال کمتر دارند، در کارخانه تهیه نموده و در روزهای تعطیل تا میزان چهار ساعت اطفال مزدور را وادار به تحصیل کرده و به‌همین میزان از قدرت کار آنها بکاهند» (روزنامه اطلاعات، ۷ شهریور ۱۳۱۵: ۸؛ نیز بنگرید به: سامانه قوانین و مقررات مجلس شورای اسلامی به آدرس اینترنتی: rc.majlis.ir) اعزام سپاهیان دانش به روستاها دیگر گام مؤثر دولت در عمومی‌سازی آموزش در سراسر ایران بود.

پنجمین ویژگی، توجه مسئولان فرهنگی به بهداشت کودکان دانش‌آموز است. از آنجاکه دولت به کودکان به چشم آینده‌سازان کشور و سرمایه‌های انسانی وطن می‌نگریست، بنابراین برخلاف گذشته مسئله بهداشت دانش‌آموزان سبب بحث‌هایی جدی پیرامون معماری مدارس، ورزش دانش‌آموزی و حفظ الصحة و بهداشت محصلان شد. مدیران مدارس ملزم به اطاعت از نظام‌نامه صحیه مدارس مصوب ۱۳۱۰ ش بودند که در آن درباره میزان گرما و سرمای محیط مدرسه، غذا و آب کودکان، برنامه درسی، طرز نشستن و فاصله چشم آنها تا کتاب و نحوه معماری بنای مدرسه توضیحاتی داده شده بود (روزنامه اطلاعات، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۱۰: ۳) رسیدگی به اوضاع بهداشتی مدارس

جدید که با استخدام پزشک در ۱۲۹۸ ش صورت رسمی به خود گرفته بود، در ۱۳۱۴ ش ابعاد وسیع‌تری یافت. در این سال اداره صحیه مدارس افتتاح شد که همه روزه با هشت پزشک و سرپرستار در پنج بخش کحالی (چشم‌پزشکی)، دندان‌پزشکی، برق، تجزیه و دواخانه (داروخانه) به محصلان مدارس خدمات می‌داد. پزشکان این مرکز وظیفه داشتند در هنگام ثبت‌نام کودکان آنها را معاینه و برایشان «تصدیق صحت مزاج» صادر کنند، در زمان تحصیل آنها را تحت نظر قرار دهند و پس از پایان دوره بیماری برایشان «تصدیق پس از ختم معالجه» صادر و هر روز به یکی از مدارس سرکشی کنند «در قسمت نظافت حیات مدرسه و کلاس‌ها، آب مشروب، مستراح و نظافت شاگردان تفتیش کامل به عمل آورده، شاگردانی را که مبتلا به امراض ساری (واگیر) و جلدیه (پوستی) باشند، موقتاً از مدرسه خارج می‌کنند» (روزنامه اطلاعات، ۲۲ بهمن ۱۳۱۴: ۵-۴)

ششمین ویژگی، تأکید بر ورزش به قصد سلامت جسمی و نشاط روحی کودکان بود. براساس قانون مصوب ۱۴ شهریور ۱۳۰۶ ش مجلس شورای ملی، ورزش در مدارس سراسر کشور را اجباری کرد. (حکیم الهی، ۱۳۴۶: ۲۷).

توجه به ورزش مدرسه‌ای در کنار تأسیس نهادی نوظهور تحت عنوان پیشاهنگی، خصلتی ویژه و منحصر به فرد به آموزش کودکان دانش‌آموز در دوره پهلوی می‌بخشید. مبانی و اهداف نهضت پیشاهنگی که برای نخستین بار از سوی فردی انگلیسی به نام «رابرت بادن پاول» در ژانویه ۱۹۰۸ م. ۱۳۲۵ ق. ۱۲۸۶ ش با اقتباس از اصول تعلیم نظامی برای نوجوانان و جوانان شکل گرفته بود، (Paula Fass, ۲۰۰۴: ۱۱۰) در ایران دوره پهلوی به دلایلی مورد توجه و اقبال دولت قرار گرفت. ورزش که از جمله مهم‌ترین شاخصه‌های نهضت پیشاهنگی بود، نه تنها سلامت کودکان را به‌منزله آینده‌سازان میهن تأمین می‌کرد بلکه با تکیه بر اصولی چون میهن‌دوستی و شاه‌پرستی و ... به برخی نیات و منویات

نوجوانان و جوانان سیزده تا هیجده ساله و افراد بیش از هیجده سال سازمان‌دهی شده بود.

همراهی و همکاری اولیاء و مربیان در امر آموزش کودکان هفتمین ویژگی مهم نظام آموزشی این دوره است. علم تربیت جدید تحت تأثیر ارتقاء جایگاه زنان و تغییر مفهوم ازدواج از شکل سنتی آن به پیوندی آگاهانه و حاصل عشق و علاقه دو تن به یکدیگر (مجله تعلیم و تربیت، س ۵: ۲۰۳؛ همان، ش ۶ و ۵، س ۸: ۴۱-۳۶؛ مجله تعلیم و تربیت، س ۷؛ اطلاعات صبح، ۴ مرداد ۱۳۱۶: ۱؛ اطلاعات عصر، آبان ۱۳۱۶: ۲؛ همان، ۱۸ دی ۱۳۱۸: ۴ و ۱؛ اطلاعات، ۱۱ فروردین ۱۳۱۹: ۳) نه تنها از والدین می‌خواست به صورت مشترک و هماهنگ مسئولیت تربیت فرزندان خود در خانه را بپذیرند، بلکه به آنان پیشنهاد می‌کرد که در انجمن‌های اولیاء و مربیان در کنار معلمان مدرسه قرار گیرند و «برای وحدت روحی اطفال کار کنند». از نظر سخن‌گویان علم تربیت جدید، پرورش کودک مسئولیت وجدانی بود که «در درجه اول برعهده اولیای طفلی قرار گرفته است و اگر روزی آموزشگاه و آموزگار سهمی از آن را عهده‌دار می‌گردند نباید اولیای اطفال به عذر اینکه بعد از این کودکان و دبستان این وظیفه را انجام می‌دهند شانه از زیر بار تعهد خویش تهی کرده از سرپرستی و توجه فرزند خود مسامحه و غفلت روا دارند و بار سنگین پرورش را به تنهایی بر دوش آموزگار بگذارند» (مجله تعلیم و تربیت، ش ۱۲-۱۱، س ۸: ۹۵-۹۱؛ همان، ش ۱، س ۷: ۲۳-۱۹؛ روزنامه اطلاعات، ۲۵ مرداد ۱۳۱۵: ۲؛ همان، ۲۵ آبان ۱۳۱۷: ۱۰)

در یک کلام می‌توان گفت: ساختار آموزشی دوره پهلوی بیش از هر زمان دیگری کودک یا دانش‌آموز محور شد. باین‌همه در تمام این دوران به‌سان ابزاری قوی برای پیشبرد طرح‌های کلان و برنامه‌های مطلوب دولتی عمل کرد. برای مثال دولت در پیامد کشف حجاب در ۱۷ دی ۱۳۱۴، مدارس ابتدایی سراسر کشور را تا کلاس چهارم مختلط

دولت جدید، جامعه عمل می‌پوشاند. این نهضت که در ابتدای روی کار آمدن رضاشاه در زمان کفالت وزارت معارف نظام‌الدین حکمت (مشارالدوله بعدی) در ۱۳۰۴ ش به ریاست میرزا احمدخان امین معروف به امین‌زاده شکل گرفت (مجله تعلیم و تربیت، س ۲، ش ۱، فروردین ۱۳۰۵: ۴۲ - ۴۰) در میانه سال‌های ۱۳۱۳ - ۱۳۰۵ ش دوره‌ای از فترت و فراموشی را از سر گذراند ولی پس از گذشت شش سال در ۲۸ فروردین ۱۳۱۳ ش، دوباره بر سر زبان‌ها افتاد. در این تاریخ، انجمن تربیت‌بدنی و پیش‌آهنگی ایران به ریاست ادیب السلطنه سمیعی، -رئیس تشریفات سلطنتی- تشکیل شد. (حجازی، ۱۳۳۸، صص ۴۵۴ - ۴۵۳ و ۴۵۹ - ۴۵۸ و صص ۴۶۵ - ۴۶۴؛ اطلاعات در یک ربع قرن، ۱۳۲۹: ۱۵۱؛ مختاری، ۱۳۲۶: ۲۷۵ - ۲۷۱). شش ماه بعد در مهرماه ۱۳۱۳ ش توماس گیسن امریکایی استخدام شد و از دی ماه همین سال، ریاست انجمن به محمدرضا ولیعهد سپرده شد که به تازگی پس از گذران دوره تحصیل خود از سوئیس به ایران بازگشته بود (حکیم الهی، ۱۳۴۶: ۴۰). یک‌سال پس از احیای دوباره نهضت پیش‌آهنگی در ایران، وزارت معارف نه تنها باغ منظریه را برای اردوهای پیشاهنگان، آماده و مهیا کرد (پازارگاد، ۱۳۱۴: ۹۴ - ۹۳) بلکه از مهرماه ۱۳۱۴ ش شعبه دختران تشکیلات پیشاهنگی را به ریاست شمس پهلوی بنیان گذارد (پازارگاد، ۱۳۱۴: ۹۳؛ صفایی، ۲۵۳۵: ۱۰۶ - ۱۰۳؛ مختاری، ۱۳۲۶: ۲۷۵ - ۲۷۱) که آموزگاران آن در کنار معلمان مرد با شرکت در کلاس‌هایی با اصول و اهداف این نهضت آشنا می‌شدند. یکی از مهم‌ترین اهداف نهضت پیشاهنگی (مجله تعلیم و تربیت، س ۲، ش ۱، فروردین ۱۳۰۵: ۴۲ - ۴۰) علاوه بر ترکیبی از آموزش و پرورش برای کودکان، نوجوانان و جوانان و توجه به آموزش‌های عملی (روزنامه اطلاعات، ۳ بهمن ۱۳۰۸: ۲) و کار گروهی، حفظ سلامتی آنها از طریق ورزش بود. پیشاهنگی در سه سطح شامل کودکان هفت تا دوازده ساله،

کرد. یکسان سازی برنامه آموزشی، کتاب‌های درسی و زبان آموزش در سراسر ایران نیز در راستای طرح کلان‌تر ملت‌سازی قرار داشت. همچنین برخلاف نوآوری‌های بسیار و گسست شدید از شیوه سنتی، پاره‌ای از الگوهای قدیم‌تر مانند تقدم و اولویت اخلاق بر علم یا پرورش بر آموزش (مجله تعلیم و تربیت، س ۱، ش ۶، شهریور ۱۳۰۴: ۵-۱ و ادامه مقاله در ش ۱۰، دی ۱۳۰۴: ۲؛ همان، س ۲، ش ۷: ۱۳۰۵: ۳۳۸) همچنان حفظ شد و در برخی موارد مانند آموزش دختران در پیوندی جالب میان افکار سنتی بومی و رویه جهانی، تأکید بر نقش مادری و کار خانگی زنان در سرلوحه برنامه‌های آموزشی قرار گرفت. براین‌اساس با وجود آنکه با حمایت دولت، آموزش دختران از حد آموزش ابتدایی به آموزش عالی هم رسید، اما همچنان و به‌ویژه تا پایان دوره رضاشاه، مسئولان فرهنگی و فعالان مدنی مهم‌ترین وظیفه دختران را خانه‌داری و فرزندپروری می‌دانستند. تحت تأثیر همین افکار، دولت در پروگرام جدید مدارس متوسطه نسون در ۱۳۰۷ ش بازنگری کرد و با حذف هندسه، فیزیک، گیاه‌شناسی، عربی، هیئت که برای زنان زائد دانسته می‌شد از مجموع سی ساعت دروس سابق، دوازده ساعت را به «عملیات خانه‌داری، نقاشی و ورزش زنانه اختصاص داد» (روزنامه اطلاعات، ۱۰ مرداد ۱۳۰۷: ۲؛ جواد، بی‌تا: ۱۳۱۶؛ بامداد، ۱۳۱۵) این نگرش به آموزش دختران تا اواخر دوره رضاشاه نیز ادامه یافت.

منابع:

- استادی مقدم، کاظم. (۱۳۸۹)، «فعالان اصلاح الفبا» و «تغییر خط» در دوران معاصر. علم: تهران.
- استارک، فریا. (۱۳۶۴) سفری به دیار الموت، لرستان و ایلام، ترجمه و حواشی علی محمد ساکی، تهران: علمی.
- اطلاعات یک ربع قرن، انتشارات اطلاعات: ۱۳۲۹.
- آخوندزاده، میرزا فتحعلی. (۱۳۵۱) مقالات، گردآورنده: محمداقبر مؤمنی. تهران: آوا.
- آدمیت، فریدون. (۱۳۴۹) اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده. تهران: خوارزمی.
- سیف پور فاطمی، نصرالله. (۱۳۷۸) آیین عبرت: خاطرات دکتر سیف‌پور فاطمی، به کوشش علی دهباشی، تهران: انتشارات سخن شهاب ناقب.

- بامداد، بدرالملوک. (۱۳۱۵) تدبیر منزل و دستور بچه‌داری [کتاب‌های درسی] مخصوص محصلات دبیرستان نسون و خانه‌داران جوان. بی‌جا: بی‌نا.
- پازارگاد، بهاء الدین. (۱۳۱۴) پیش آهنگی چیست؟ تهران: کتابخانه مرکزی.
- جواد، تارا. (۱۳۱۶) «آسایش زندگانی؛ دستورهای خانه‌داری و بچه‌داری با تدبیر منزل» به اضافه بسیاری از دستورهای سودمند از قبیل معالجات‌های مسمومین و گزیدگان و تجارب بسیار سودمند». تهران: شرکت جامع کتاب.
- حکمت، علی‌اصغر. (۲۵۳۵ ش) سی خاطره از عصر فرخنده پهلوی. تهران: وحید.
- ممتحن الدوله، مهدی‌بن رضاقلی. (۱۳۵۳) خاطرات ممتحن الدوله، به کوشش حسینقلی شقاقی، تهران: امیرکبیر.
- در جستجوی امر قدسی. (۱۳۸۵) گفتگوی رامین جهانگل و سید حسین نصر، ترجمه سید مصطفی شهرآئینی، تهران: نی.
- ذوالفقاری، حسن و حیدری، محبوبه. (۱۳۹۱) ادبیات مکتب خانه‌ای در ایران، تهران: رشد آوران.
- اصیل، حجت‌الله. (۱۳۸۸) رساله‌های میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله، گردآوری و مقدمه حجت‌الله اصیل، تهران: نی.
- رسائل سیاسی عصر قاجار. (۱۳۸۰) تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری نژاد، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- رشدیه، شمس‌الدین. (۱۳۶۲) سوانح عمر. تهران: نشر تاریخ ایران.
- باغچه‌بان، جبار و میربابایی، صفیه. (۱۳۸۹) روشنگر تاریکی‌ها، جبار باغچه‌بان و همسرش، تهیه و آماده‌سازی: مؤسسه فرهنگی هنری پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان.
- سامانه قوانین و مقررات مجلس شورای اسلامی به آدرس اینترنتی: rc.majlis.ir
- سعدوندیان، سیروس. (۱۳۸۰) اولین‌های تهران. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- صفایی، ابراهیم. (۲۵۳۵ شاهنشاهی) بنیادهای ملی در شهریار رضاشاه کبیر. تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.
- صنعتی زاده کرمانی، عبدالحسین. (۱۳۴۶) روزگاری که گذشت. بی‌جا: چاپخانه گیلان.
- طالبوف تبریزی، عبدالرحیم. (۱۳۵۷) آزادی و سیاست، به کوشش ایرج افشار. تهران: سحر.
- طالبوف تبریزی، عبدالرحیم. (۱۳۳۶) کتاب احمد یا سفینه طالبی. تهران: گام.
- فیروز، فیروزه. (۱۳۷۹) مقاله «سیر پیدایی و گسترش کودکان‌ها»، گنجینه اسناد. شماره ۳۸ - ۳۷.
- کرمانی، میرزا آقاخان. سه مکتوب، به کوشش بهرام چوبینه. Germany: Nima Verlag, ۲۰۰۰.
- حجازی، محمد. (۱۳۳۸) مین ماه. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ.
- محمدی، محمدهادی و قایینی، زهره. (۱۳۸۳) تاریخ ادبیات کودکان ایران. تهران: چیستا.
- مختاری (مختارالسلطنه)، حبیب‌الله. (۱۳۲۶) تاریخ بیداری ایران. تهران: چاپخانه دانشگاه.
- حکیم الهی، نصرت‌الله. (۱۳۴۶) عصر پهلوی و تحولات ایران مخصوص شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران. تهران: شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران.
- هدایت، مهدیقلی. (۱۳۸۵) خاطرات و خطرات. تهران: زوار.

اشیدری، جهانگیر. (۲۵۳۵) یادداشت‌های کیخسرو شاهرخ، بی‌جا: بی‌نا.
Paula, Fass (۲۰۰۴) "Encyclopedia of Children and Childhood",
Society and History, New York: Thomson- Gale.

مطبوعات:

روزنامه کوکب درّی

مجله تعلیم و تربیت

روزنامه اطلاعات

روزنامه تربیت

روزنامه خورشید

روزنامه کوکب درّی

روزنامه الجمال

زهرا حاتمی



دانشنامه فلسفه و تاریخ تعلیم و تربیت